

## زنده باد اعتصاب! زنده باد مبارزات پر شور کارگران نیشکر هفت تپه!

کامران پایدار

- اطلاعیه شماره یک هیئت برگزاری کنفرانس موسس حزب

**کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید برگزار می شود!**

صفحه 2

- **سند پیشنهادی به کنفرانس موسس حزب در باره اعلام  
موجودیت حزب ...**

(پیشنهاد دهنده: کمسیون تدارک سیاسی کنفرانس)

صفحه 3

- **چند سند و قرار پیشنهادی به کنفرانس موسس حزب**

(پیشنهاد دهندگان: شیرین اعتماد، سلام زیجی، اذر کیمیا، کامران پایدار)

صفحه 4

- **پیوستن ۸ رفیق دیگر به پروسه تشکیل حزب!**

صفحه 7

- **مبارزه علیه مواد مخدر جدا از مبارزه علیه جمهوری اسلامی  
نیست!**

صفحه 7

عزیز آجیکند

- **اعتصاب کارگران شهرداری منطقه 5 تهران!**

صفحه 9

- **گزارشی درباره وضعیت دردناک سوخت بران!**

صفحه 9

کارگران پیشرو

- **نامه ای سرگشاده به سید علی خامنه ای**

صفحه 10

الهام اولیایی

علیرغم همه تشبثات و ترفندهای حکومت اوباش اسلامی، علیرغم همه فشار و وحشت و سرکوب و فضای پلیسی، علیرغم همه ترفندهای مزورانه عوامل اطلاعاتی و مزدوران حکومتی برای ایجاد انحراف در مسیر برحق مبارزات کارگران، مبارزات پرشور و جانانه کارگران نیشکر هفت تپه به همراه خانواده های محروم و زجر کشیده اشان همچنان ادامه داشته و هر روز عمق و وسعت بیشتری می یابد. دیروز دوم مرداد ماه در حالیکه که کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زده به همراه خاواده هایشان تجمعات اعتراضی پرشکوهی برگزار نمودند. دیروز دوم مرداد ماه برای ساعاتی جاده شهر حر به شرکت نیشکر هفت تپه توسط کارگران اعتصابی و معترض به همراه خانواده هایشان بسته شد. دیروز تمامی فضای کارخانه نیشکر هفت تپه و حوالی جاده شهر حر پلیسی و نظامی و مملو از مزدوران و جاسوسان و لباس شخصی های حکومت اسلامی سرمایه داران بود. امروز سه شنبه سوم مرداد ماه نیز اعتصاب و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد. از اولین ساعات صبح امروز کارگران به همراه خانواده هایشان تجمعات رزمنده و برحق

صفحه 2

خود را بر پا نموده اند . بنا بر اخبار از اولین ساعت صبح امروز تا حوالی 11 ظهر جاده بین المللی اهواز - اندیمشک در تصرف کارگران و خانواده هایشان و بسته بوده است . تجمع اعتراضی امروز سه شنبه کارگران هفت تپه در حالیکه در محاصره همه نیروهای رنگارنگ جنایت و سرکوب اسلامی بود، با پرتاب گاز اشک آوراز جانب مزدوران حکومتی مورد تهاجم قرار گرفته است . فضای شهر، کارخانه و هرآنجایی که کارگران رزمنده و خانواده هایشان حضور دارند نظامی و پلیسی است . تمام تلاش و تقلای مزدوران اطلاعاتی و حراستی در همدستی با مدیران کارخانه تا این لحظه برای سرکوب ، لوٹ و خاموش نمودن مبارزات جاری کارگران به گل نشسته است . مزدوران رده بالاتر حکومت جور و جنایت اسلامی در خوزستان ، در استانداری و شورای تامین شهر مدام در حال برگزاری جلسات محرمانه برای کنترل و سرکوب مبارزات کارگرانند .

**رفقای کارگر !**

گرسنگی و فقر و فلاکت دیگر بس است . بیکار سازیها و اخراجهای دسته جمعی دیگر بس است . دستمزدهای چندین برابر زیر فقر و معوق شده دیگر بس است . قراردادهای سفید امضا و موقت کاری وعدم امنیت شغلی دیگر بس است . 30 سال کار کرده ایم ، 30 سال زجرمان داده اند ، 30 سال گرسنگی و محرومیتمان داده اند وحالا سرمایه داران و حکومت

اسلامی مطالبات ناچیزمان را بالا کشیده اند دیگر بس است . شرمندگی و تحقیر در برابر خانواده هایمان دیگر بس است . گرسنگی و نداری دیگر بس است . وعده های پوچ و دروغ امروز و فردای کارفرما و کارچاق کن های سرمایه داران دیگر بس است . پلیس و سرکوب و حراست و جاسوس و باطوم و گاز اشک آورو... دیگر بس است . ما هم انسانیم . آزادی ، برابری ، رفاه و خوشبختی و برخورداری از یک زندگی شاد و ایمن حق مسلم فرزندان و خانواده های ماست . ما چیز اضافه ای نمی خواهیم ، ما تنها و تنها ابتدایی ترین حقوق مسلم و انسانیمان را مطالبه داریم . آخوند و و بسیج و پاسدار و سرمایه داران و همه کاسه لپسان کارچاق کنشان دشمنان طبقاتی ما هستند . همه خیل این بیکارگان انگل و مفت خور باعث و بانی فقر و بدبختی و سیاه روزی ما هستند . وعده هایشان دروغ است . قول و قرار هایشان پوچ است . تنها جنایت و سرکوب ، قتل و آدم کشی و دزدیهایشان واقعی است .

### رفقای کارگر !

قدرت ما در اتحاد ما ، در همدلی و یکپارچگی ماست . قدرت ما در برپایی مجامع عمومی منظم ما و اتخاذ تصمیمات جمعی ماست . قدرت ما در ایجاد و برپایی شوراهای سراسری و همبسته ما کارگران بر علیه سرمایه داران و حکومت نوکرشان است . قدرت ما در همراهی رزمنده خانواده هایمان در مبارزات جاریست است بدینگونه که به اثبات رسیده است . قدرت ما در تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب است . قدرت ما در برپایی و ایجاد شبکه ها و صندوق های مالی کمک به اعتصاب است . قدرت ما در

ادامه کاری مبارزتمان است . قدرت ما در مبارزات مستقل خود ما کارگران و به دور از هر گونه توهمی نسبت به مراکز جاسوسی و سرکوب و مزدور و دست ساز حکومتی از قبیل شوراهای اسلامی و خانه کارگر و همه مزخرفاتی از این نوع است . بپا خیزیم ، شریان و رگ حیاتی زندگی در دستان متحد و توانای ماست .

**اطلاعیه شماره یک هیئت  
برگزاری کنفرانس موسس  
حزب :  
کنفرانس موسس حزب سیاسی  
جدید برگزار می شود!**

به اطلاع می رسانیم که تدارکات ملزومات سیاسی و اجرائی برگزاری کنفرانس موسس حزب سوسیالیستی جدید از این تاریخ شروع خواهد شده. این کنفرانس در ماه آگوست ۲۰۱۷ برابر با مرداد ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد. کنفرانس موسس حزب دو روزه و غیر علنی است . در اطلاعیه های بعدی در باره شکل برگزاری کنفرانس موسس حزب و دیگر اقدامات اطلاعات بیشتری در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب از همه کارگران و فعالین کارگری ، مبارزین راه آزادی، و فعالین و دوستداران حزب در ایران میخواهد که از راههای مناسب در تدارک سیاسی وتاسیس چنین حزبی نقش مستقیم و موثر ایفا نمایند. ما متعهد می شویم که کلیه نظرات و اسناد پیشنهادی و تلاشهای شما را از کانال درست و قانونی در پروسه تاسیس حزب دخیل داده و به سر انجام خواهیم رساند.

علاو بر تماس مستقیم با هیئت هماهنگ کننده برگزاری کنفرانس، از این تاریخ تا زمان برگزاری کنفرانس بخشی از کار نشریه سوسیالیسم امروز و همچنین سایت "سوسیالیسم امروز" به تدارک سیاسی کنفرانس موسس حزب اختصاص خواهیم داد. هر دو ابزارهای مناسبی هستند در جهت منعکس کردن نظرات سیاسی متفاوت، و طرح سیاستها و راه حل های مناسب به منظور تدارک بهتر یک حزب کمونیستی رزمنده و انقلابی. ما از دریافت نظرات و پیشنهادهای شما استقبال می کنیم.

همچنین از همه اعضا و دوستداران و علاقمندان به دخالت مستقیم در سر نوشت این حزب در اروپائی مرکزی و امریکا و کانادا می خواهیم در اسرع وقت برای شرکت در کنفرانس موسس حزب با ما تماس گرفته و ثبت نام کنند. تئوری و مکان دقیق کنفرانس تنها به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس خواهد رسید.

پیشاپیش به همه شرکت کنندگان در کنفرانس موسس حزب خوش آمد می گوئیم!

هیئت برگزار کننده کنفرانس موسس حزب

ادرس مایل و تلفنهای تماس:

iransocialist2017@gmail.com  
0046762349683  
00447740076631  
004792831376  
0046700929993

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## سند پیشنهادی به کنفرانس موسس حزب در باره اعلام موجودیت حزب... (پیشنهاد دهنده: کمیون تدارک سیاسی کنفرانس)

با این اطلاعیه تشکیل حزب ... و آغاز فعالیت آن را اعلام میکنیم.

حزب...، یک حزب سیاسی-سوسیالیستی رزمنده و پیشرو سرنگونی طلب است. یک حزب متکی به مکانیزمهای باز سیاسی درون حزبی و در عین حال حزبی کاملاً منضبط و با دیسپلین است. این حزب، حزب نوین انقلابی و مرکز اتحاد و تحزب کمونیستی کلیه انسانهای رزمنده و سوسیالیست برای سرنگونی بی درنگ کلیت ماشین سرکوب و جنایت نظام جمهوری اسلامی و حزبی مصمم برای دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و سوسیالیستی میباشد.

بطور اخص حزب ....، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب ... یک حزب کمونیستی متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری است. این حزب بر ایجاد همبستگی جهانی طبقه کارگر

و کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبی از راه برپایی و ایجاد تشکلهای توده ای - شورائی سیاسی طبقه کارگر پای می فشارد. برپایی جامعه‌ای نوین و انسانی مبتنی بر برابری و رفاه اقتصادی و اجتماعی، آزادی انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری، لغو نظام بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان هدف استراتژیک این حزب است.

حزب ... ایجاد یک حزب سیاسی مدرن، کارگری، ملیتانت، اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران را پیش شرط سرنگونی انقلابی جمهوری جنایتکار اسلامی حاکم بر ایران دانسته و تصرف قدرت سیاسی در ایران را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر در راه اهداف خود قرار میدهد. حزب... حزب سازماندهی انقلاب اجتماعی- کارگری و حزب قهر انقلابی علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است، اما همزمان حزب ما حزب سازماندهی مبارزه برای تغییر تناسب قوا، کسب موقعیت بهتر و مساعدتر اقتصادی و سیاسی برای کارگران و جامعه است. از اینرو سازماندهی انقلاب و تحمیل رفرم را از منظر منافع جنبشمان یک سیاست مکمل و ضروری می دانیم.

حزب... در دوره کنونی همه مخاطرات ناشی از جنگهای داخلی و جنایات تروریسم

دولتهای غرب و همچنین تروریسم اسلام سیاسی و همه دسته جات متفرقه قومی و ناسیونالیستی را مد نظر دارد و مخاطرات تحمیل سناریو سیاه، شبیه عراق و سوریه ... را به ایران جدی می گیرد. حزب با واقع بینی و هشجاری و احساس مسئولیت نسبت به عواقب هر گونه طرحی علیه مدنیت جامعه اقدام خواهد نمود. ما جامعه را پیشاپیش علیه عوامل و عناصر سناریوسیاهی از جمله علیه جمهوری اسلامی، دخالت نظامی و منفی کشورهای امپریالیستی و مرتجع منطقه و همچنین علیه اندسته از نیروهای مسلح مذهبی و قومی و ناسیونالیستی در اپوزیسیون که دارای چنین ظرفیتهای هستند فرا می خوانیم.

از نظر ما تضمین یک زندگی آزاد و انسانی، برابر و مدرن، سکولار و مرفه و خوشبخت بعد از پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی در گرو به میدان آمدن آگاهانه طبقه کارگر، جنبش رهایی زن و جوانان و کل صف آزادیخواهی و برابری طلبی تحت پرچم انقلابی و سوسیالیستی در ایران است. در گرو ایجاد صف مستقل انقلابی و پرهیزدوری از همه سیاستها و سنتهای ارتجاعی سبزو اصلاح طلبی و ملی گرائی و مذهبی و فدرالیستی و آریائی گری و پوپولیستی و "همه با هم" بودنها است. به گونه ای که نباید اجازه داد یکبار دیگر تاریخ مبارزاتی - انقلابی میلیونها انسان و تلاش اکثریت جامعه برای آزادی و

برابری را بر علیه خود ما و این امید و آرمان والای انسانی رقم بزنند، اتفاقی که متأسفانه بعد از انقلاب ۵۷ به وقوع پیوست. درس گرفتن از آن تاریخ یک رکن مهم مبارزه برای کسب آزادی و برابری و خوشبختی بر ویرانه های نظام فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی است.

ایجاد و برپایی حزب... یک اقدام موثر در ممانعت از تکرار آن تاریخ تحت هر پوشش و عنوانی و ابزار مهم ما کارگران و زحمتکشان در به سر انجام رساندن تلاش و مبارزه و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و سوسیالیستی خواهد بود.

حزب ... همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامی خواند!

**نابود باد جمهوری اسلامی!  
مرگ بر سرمایه داری!  
زنده باد سوسیالیسم!**

**حزب...  
... مرداد 1396 - آگوست  
2017**



**پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!**

## چند سند و قرار پیشنهادی به کنفرانس موسس حزب (پیشنهاد دهندگان: شیرین اعتماد، سلام زیجی، اذر کیمیا، کامران پایدار)

### سند پیشنهادی در باره مبانی حزبیت سیاسی

۱- پایه ی ترین و محوری ترین خصوصیات یک حزب سیاسی برای ما حضور، نقش و دخالت فعال در تحولات، درگیر شدن در مسائل جاری جنبشهای سیاسی مترقی از جمله جنبش طبقه کارگر به عنوان یک حزب سیاسی تأثیر گذار و تأثیر پذیر است. یک حزب سیاسی سرنگونی طلب و سوسیالیستی نمی تواند در میدان و عرصه های مستقیم مبارزه سیاسی و جدی در روند سرنگونی انقلابی و قهر آمیز جمهوری جنایتکار اسلامی غایب یا حاشیه ی باشد.

۲- یک رکن مهم دیگر تفاوت محوری ما با سنتهای غالب برچپ موجود و از جمله با سنتهای سیاسی و سازمانی و سیستم رهبری سنتی-محفلی این است که می خواهیم واقعا یک حزب سیاسی مدرن و مسئول باشیم نه حزب فرقه ای و حزب محافل "ایدئولوژیک" و بی ربط به تحولات و جامعه. حزب محکم و منضبط و وجود یک مکانیزم باز سیاسی، براساس آگاهی و اختیار و پذیرش داوطلبانه افراد، لازم و ملزومه همدیگرند. این اصل تفکیک ناپذیر رکن اولیه شالوده سیاسی و سازمانی حزب جدید ما خواهد بود.

۳-یک وجه مهم دیگر تبدیل

شدن به حزب سیاسی عبور از سنتهای رهبری غالب به چپ و اپوزسیون ایران است. سنتهای شناخته شده رهبری مادام العمر در این احزاب در حزب ما جایگاهی نخواهد داشت. مکانیزم دمکراتیک و زمانبندی شده عوض کردن پستهای کلیدی حزب یکی از پیشرفتهای تبدیل شدن به حزبیت سیاسی و تأمین یک رهبری مستمر سیاسی-کمونیستی در گرو خاتمه دادن به سیستم کنونی غالب شدن در سیستم کنونی چپ شرقی است. (قرار مخصوصی در این رابطه به کنفرانس ارائه میشود)

۴-تأمین و تضمین قطعی بیان نظرات متفاوت سیاسی و نقد سطوح مختلف فعالیتها و طرح هر شکلی از نظرات و دیدگاههای سیاسی در سطح کل حزب و جنبشمان وظیفه پایه رهبری و کلیه ارگانهای حزب است. در حزب ما جاده یکطرفه ی وجود نخواهد داشت! چنین نیست که فقط رهبر دستور می دهد و بقیه حق انتقاد و چالش و برکناریش را ندارند. هم جایگاه "دستور" و تصمیم ارگان رهبری کننده باید محترم و جدی تلقی گردد در کل حزب، و هم جایگاه تضمین حق بدون قید و شرط و بدون ایجاد محدودیت بیان نقد و نظر متفاوت سیاسی از جمله علیه رهبری حزب!

۵-...

سند پیشنهادی در باره  
سرنگونی  
(کدام سرنگونی؟)

ما معتقد هستیم به شکل سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی. سرنگونی که آینده و محصل آن و سرمایه اش نسبی کارگران و زنان و سوسیالیستها و آزادیخواهانی باشد که ۳۸ سال است تحت تحقیر و گرسنگی و فقر روزافزون سرکوب می شوند و آزادی و امنیت و رفاهشان سلب شده است. مهمترین ابزار تحقق این امر را وجود رهبری انقلابی و فداکار، احزاب رزمنده، "حزب رهبر و سازمانده"، احزاب سیاسی- کارگری و سوسیالیستی و جدی در امر مبارزه انقلابی- سرنگونی، و توسل به قدرت متشکل طبقه کارگر و آزادیخواهان، به سازماندهی قهر انقلابی و انقلاب کارگری و تأمین هژمونی سوسیالیستی بر کل روند سرنگونی میباشد. ما این نوع سرنگونی را می خواهیم و از این مسیر و مکانیزمها به دنبال تحقق آن هستیم.

ما دنبال کشمکشهای درونی رژیم نبوده و روی آن سرمایه گذاری نکرده و نخواهیم کرد. از نظر ما مبارزات و اعتراضات اجتماعی مادامیکه متشکل و سازمانیافته و متحزب نباشد و تحت هژمونی سیاست انقلابی نباشد راه به جایی نمی برد. به روش تدریجی "مبارزه" که گویا قدم به قدم جنبشها رشد میکنند و آخر سر همه متحد می شوند و بعد انقلاب می شود و ما هم میرویم "انقلاب سواری" میکنیم و به هدف می رسیم، اعتقادی نداریم. ما به این سریال خیالیافی سه چهار دهه امتحان

ساخته شده و بی ثمر هیچ باوری نداریم. ما به سرنگونی از راه دخالت دولتهای غربی و رژیم چپ و انقلاب مخملی یا از طریق طرح ارتجاعی فدرالیسم یا به شیوه که امروز در عراق و سوریه و... به کارگران و زحمتکشان آن ممالک تحمیل کرده اند نه تنها اعتقادی نداریم که چنین سناریوهای را اوج بربریت و جنایت ضد انسانی قلمداد می کنیم.

خواست سرنگونی طلبی یک خواست واقعی و گسترده است. اما این خواست بر عکس بخشی از تصورات پوپولیستی هنوز به معنی در میدان بودن "جنبش سرنگونی" نیست. خواست سرنگونی نیز که هم اکنون در زمین و میدان واقعی جامعه وجود دارد، از نیروهای پرو غرب، ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی تا سلطنت طلبان و مجاهد، و همچنین خواست سرنگونی از موضع انقلابی- کارگری همه یکدست نیستند و به هیچ وجه یک هدف و یک جهت طبقاتی ندارند و همه با همی نیز در کار نیست! پوپولیستها و راستها از جنبش سبز تا تشیع جنازه رفسنجانی و حضور جنبشهای ارتجاعی دیگر قومی و مذهبی را همه در کیسه "جنبش سرنگونی" جمع آوری کرده اند. این سیاستها یک سیاست کمونیستی - سرنگونی طلبانه نیست! علیه شکل گیری روند

واقعی جنبش آزادیخواهانه و خود آگاه طبقاتی و سرنگونی طلبی واقعی و رادیکال است! ما بر وجود خواست سرنگونی و نارضایتی وسیع کارگران و زنان و توده های زحمتکش و جوانان در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همینطور سرنگونی طلبانه تاکید می کنیم و فکر میکنیم اینها را نباید و نمی توان در یک بسته یکدست "جنبش سرنگونی" ریخت.

سال ۵۷ در دوره شاه همین کار اشتباه آمیز را کردیم. همه شدیم "جنبش سرنگونی طلب علیه شاه" بدون اینکه بدانیم یا از قبل آماده شده باشیم که چه چیزی را جایگزینش می کنیم. بنا به همین دلیل ساده لوحانه اتفاقا آنهایی که از فرانسه و مسجدهای ایران نظاره گر ریختن خون ما مبارزین و کارگران به دست اوباش رژیم شاه بودند، آمدند سلاحهای همان "ارتش مردمی" و زندانهای شاه را تحویل گرفتند و ما را با آن سرکوب کردند و خود فرمان "جنبش سرنگونی طلبانه مرگ بر شاه" را بدست گرفتند. تکرار دوباره این سناریو در این دوره و زمانه یک حماقت سیاسی بزرگ است! به ما گفتند متحد شوید فعلا شاه برود بعدش مهم نیست، دیدیم که بعد از آن اتفاق با تحول بسیار جدی، ناموفق و پر هزینه روبرو گردیدیم!

ما به صف و پرچم مستقل سوسیالیستی- کارگری و به هدف ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی و تحقق یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، مدرن، سکولار و خوشبخت معتقد و متکی هستیم. تنها و تنها برای به پیروزی رساندن

این جنبش و هدف مبارزه خواهیم کرد! در نتیجه امر سرنگونی این حکومت جانی امر خود ما در جامعه ایران، با حزب و پرچم و رهبری رادیکال و سوسیالیستی، با پرچم و قدرت متشکل کارگری، و صف مبارزه آزادیخواهانه، و سر انجام با انقلاب کارگری و به قدرت شوراها ی کارگری و ملیس توده ای باید کلیت این نظام فاشیست را از صحنه ایران و تاریخ محو و به زباله دان تاریخ سپرد. این ممکن است اگر طبقه کارگر و مخاطبین ما به این حزب و سیاست و اهداف و دورنما بپیوندند.

### سند پیشنهادی در باره سیاست ما در جنبش کارگری

در عرصه جنبش کارگری ضمن اینکه خود را حزب کل طبقه می دانیم اما فکر میکنیم رمز پیشروی مبارزه سیاسی اقتصادی کارگر در گرو نقش گرایش رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی صفوف طبقه است، در گرو ایجاد تشکلهای و سازمانهایی است که متعلق به سنتهای مبارزاتی آن گرایش و جنبش پیشرو مطالباتی و سیاسی جنبش کارگری است، از اینرو سیاست پایه و کلیدی کار ما تقویت محافل پیشرو کارگری و گرایش سوسیالیست امر اول فعالیت حزب ما خواهد بود. در این راستا نقد تشکلهای راست سندیکالیست، تشکلهای ارتجاعی دست ساخت دولت مانند شورای اسلامی، خانه کارگر و انجمن صنفی ها وظیفه محوری خود می دانیم. حزب ما خود محصول این خط و گرایش و از طرف فعالین کمونیست داخل و خارج کشوری این جنبش پیشرو دارد تشکیل می شود. نفس این اتفاق یکی از تفاوتهای بنیادی ما با

جریانات اپوزیسیون چپ خارج کشوری است. ما برعکس چپ غیر کارگری و پوپولیست موجود، کارگران را دنبال نخود سیاه نمی فرستیم، آنها را دنبال انجمن های صنفی یا سندیکالیستهای نمی فرستیم. به آنها نمی گوییم به کشمکش درونی رژیم امید ببندید، به قانون کار ضد کارگری و یا فلان ماده در آن امید ببندید، به گرایشات قانونگرا و سندیکالیست و اصلاح طلب امیدوار باشید. تحلیل و امیدهای بورژوازی و غیر واقعی مبنی بر اینکه رژیم دارد می رود، بعد از برجام سرنگون می شود، رفتنش حتمی است و غیره را تحویل نمی دهیم. چون معتقدیم تا خود کارگر و کمونیزم و جامعه کاری نکند هیچ اتفاقی به نفع آنها رخ نخواهد داد! حتی نمی گوییم تمام قدرت شما در "اعتراضات خیابانی" است، اول مه تان را ببرید در دشت و کوه برگزار کنید! و از آنها عکس بگیرید. چسبیدن محکم به منفعت طبقاتی کارگری علیه کلیه وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ملی دولت و طبقه حاکمه و جامعه، اتکا صرف به سیاست سوسیالیستی، به حزب کمونیستی و باور داشتن به اهرم موثر خواباندن چرخ تولید و اعتصاب متحد و سراسری به هدف به زانو در آوردن دولت و سرمایه داران تاکید خواهیم کرد. ما برای تشکل یابی از جمله در شکل مجامع عمومی و شوراها ی کارگری محلی و سراسری با تمام قدرت فعالیت می کنیم. تشکلیابی و حزب کمونیستی کارگر را رمز پیروزی آن جنبش می دانیم.

حزب ما نه فقط از نظر برنامه و اهداف سیاسی و کارگری روشن سوسیالیستی که دارد، حتی از نظر عملی و

ترکیب نیروی انسانی تشکیل دهندگان آن نیز جزو احزاب استثنائی است که از طرف کارگران صادق و راستین کمونیست و سوسیالیست و فعالین و جوانان چپ و انقلابی تشکیل شده است، این حزب واقعی طبقه کارگر و محرومان و استثمار شوندهای جامعه ایران، این حزب سوسیالیسم فوری و حزب انقلاب کارگری است. پیوستن به آن مایه افتخار هر کارگر و کمونیست و انسان رزمنده و انقلابی است!

### سند پیشنهادی در باره نیروی مسلح و "مبارزه مسلحانه" علیه جمهوری اسلامی

مساعدترین شکل مبارزه طبقاتی برای حزب و جنبش ما عدم حضور و ضرورت هر شکلی از نیروی مسلح است! اما متأسفانه جهان پیرامونی ما، شرایط منطقه و از جمله افسارگسیختگی جمهوری اسلامی ضرورت چنین سیاستی را به ما تحمیل کرده اند.

ما نه به تحولات و نیروها و دولتهایی که با آن روبرو هستیم، و نه به رژیم وحشی چون جمهوری اسلامی هیچ توهمی نداریم. بر این حقیقت ساده واقف هستیم که کلیه این روند از جمله سیاستهای رژیم ایران را با زبان خوش نمیتوان پس زد! وحشیانه تر علیه کارگر و کمونیزم و آزادی زن و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی و رفاه و امنیت جامعه عمل کرده و آنها مسلح اند علیه ما و جنبش برای آزادی و برابری!، برای حراست از حاکمیت قاتلان و جنایتکاران تاریخ! برای حراست از تداوم سیستم

جنایتکارانه کار مزدی! و برای تداوم حاکمیت یک اقلیت مفتخور بر اکثریت جامعه! برای پیشگیری از رسیدن کارگر و زحمتکش به نظام حکومتی خودشان! در نتیجه علیرغم میل واقعی خودمان بحث کردن از نیروی مسلح و ضرورت سازمان دادن نیروی مسلح برای جنبش سوسیالیستی و کارگری و صف آزادیخواهان به یک عرصه مهم و یک ضرورت سیاسی و غیر قابل انکار مبارزه طبقاتی و آزادیخواهانه ما در کل جامعه ایران تبدیل شده است.

در نتیجه این عرصه جایگاه مهمی در فعالیت ما خواهد داشت. مانند هر عرصه دیگر مبارزه طبقاتی در جامعه ایران و علیه طبقه حاکمه و جمهوری اسلامی. اما سازمان مسلح مورد نظر ما در شکل و در چهار چوب سنتهای تاکنونی که تحت عنوان "مبارزه مسلحانه" در جامعه شناخته می شوند، سازمان پیدا نخواهد کرد. قبلا به روشنی آن سنتها را نقد کرده ایم، آن سنتها را قبول نداریم. ما سنتهای متکی به سیاست خود، سنت و اهداف سوسیالیستی را در این عرصه نیز جاری خواهیم کرد.

ضمن اتکای جدی به تعمیق رادیکال مبارزه طبقاتی و سیاسی و رودرو با حاکمیت به تعمیق مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران علیه دولت و سرمایه داران، به انجام مبارزه قهر آمیز و اعمال قهر انقلابی علیه این حاکمت باور جدی داریم. ما معتقدیم خطر سرایت سناریو سیاه به ایران وجود ظرفیت

سناریو سیاهی در بخش قابل توجه ایی از نیروهای اپوزیسیون ملی و اسلامی تحولات آتی ایران را پیچیده تر و پر مخاطره تر از آن تصورات کودکانه و پوپولیستی چپ خواهد کرد. حزب ما و ضرورت نیروی مسلح که بر آن تاکید داریم علاوه بر وجود مخاطره خود رژیم و ضرورت مبارزه قهر آمیز با آن، به این مخاطر واقعی هم توجه جدی دارد و خودش را برای چنین اتفاقات احتمالی نیز از هم اکنون آماده نماید.

حکومت سرمایه داران فاشیست مذهبی که ۳۸ سال تمام است با سرکوب و اعدام و زندان و کشتار و ایجاد فضای سرکوب به حیات ننگین خود ادامه داده است، نه تنها علیه ما کارگران و کمونیستها و طرفداران آزادی و برابری با زبان اسلحه و سرکوب خشن رفتار کرده، که بعضا در قبال یاران جنایتکار دیروز و امروز صفوف خودشان نیز بازور و سرکوب و زندان پاسخ داده است. از اینرو هر نیروی که مخالف دست بردن مردم و ما اپوزیسیون کمونیست و انقلابی به اسلحه در مقابل چنین رژیمی باشد اگر مرتجع و عامل موجب بگیر رژیم نباشد یک سیاستمدار ساده لوح و جز قربانیان دست حاکمیت یا اپوزیسیون بورژوائی است. ما به این عرصه اقدام نظامی و ملیس توده ای اهمیت می دهیم، طبقه کارگر و سوسیالیستها و انقلابیون آگاه به آن اهمیت می دهند. حزب ما باید و موظف است با توجه به ضرورت خاص زمانی و مکانی و شرایط و نیاز روز جنبش وارد این میدان هم بشود و برایش نقشه و برنامه دقیق و سنجیده داشته باشد!

جمهوری اسلامی و بورژوازی حاکم در ایران در طول حیات خود تلاش کرده تا طبقه کارگر به کمونیزم مسلح نشود، به تشکلش دست پیدا نکند، به حزب کمونیستی اش ملحق نشود، به ارکان ارتجاعی و ایدئولوژیکی بورژواها مانند مذهب و ملت پرستی پشت نکنند، به اهداف سیاسی و اقتصادی نائل نگردد، به کسب قدرت سیاسی و دولت کارگری خودش فکر نکند، به ابزارهای که کارگر و سوسیالیسم را به قدرت می رساند دست نیابد، به ابزارهای حتی دفاعی خود نیز نباید دسترسی پیدا کند. یعنی خلعید از هر شکلی از مکانیزم متشکل شدن و ابزارهای قدرت و تحرک انقلابی. تحمیل چنین موقعیتی به صف ما شرط بقای جمهوری اسلامی و هر حکومت سرمایه داری و ارتجاعی است.

متأسفانه جمهوری اسلامی و اوباش آن موفق شده اند در رابطه با همه این عرصه ها به طبقه کارگر و صف چپ و جنبش سوسیالیستی ضربه وارد کنند. جامعه و ما را از طریق اسلحه سرکوب کرده و هر شکلی از مبارزه سیاسی و "قانونی" را سلب کرده اند. حتی ما نه حق تشکل و تحزب داریم نه حق دست بردن به اسلحه برای پس زدن نیروهای مزدور و سرکوب دولتی! به ما فقط حق زندگی بردگی داده اند! اما ما به آنها میگوییم غلط می کنید! می گوییم شما را سرنگون می کنیم، باید اینکار را کرد!

هر گاه کارگران و انقلابیون سوسیالیست دست به مقاومت میزنند، دست به اسلحه میبرند، اقدام انقلابی انجام می دهند، شهادانه اسم خشونت طلب بر پیشانی ما می چسبانند. در حالی که تمام تاریخ خشونت و آدمکشگی، تمام جنگ و

خونریزیها، تمام زندانها و اعدامها، تمام حاکمیتهای خشن پلیسی و سرکوبگر، و هر شکلی از سرکوب و خون پاشاندن به تظاهراتهای کارگری و مدنی و غیره مال آنها و به دست آنها صورت گرفته و می گیرد. و برخورد آنها به ما و جنبش ما به قدمت تاریخ ننگینشان مملو از خشونت و سرکوب و کشتار و اعدام و ترور و وحشی گری بوده و هست. ما اعلام میکنیم با این اوضاع مقابله می کنیم، قبول نخواهیم کرد، بس است! این تفاوت اولیه و پایه ای ما با دیگر جریانات غیر کارگری و غیر کمونیستی اپوزیسیون هم هست.

ما حزب عمل انقلابی هستیم، می خواهیم چنین باشیم. سی و هشت سال جنایت و بربریت و قتل و آدمکشی و استثمار و تجاوز و نابود کردن صدها هزار انسان در جامعه ایران بدست کثیف جمهوری اسلامی از ما می خواهد که باید چنین مبارزه و ابزارهای را سازمان دهیم و این نظام سرمایه و جنایت و جهل مذهبی را سرنگون کنیم! اگر سوسیالیست هستیم اگر مبارز و آزادیخواهیم. باید آن حساسیتی که رژیم به کل پروژه کمونیست ها دارد و برایش نگران کننده است را با دست بردن به ابزارهای قدرت طبقاتی خود، منفعتش را بیش از پیش به خطر به اندازیم و علیه خودش به کار ببریم. ما دقیقا باید خلاف جریان عمل کنیم، خلاف تمام قواعد و قوانین و منفعتهای جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای اسلامی و قوم پرست.

وقتی ما از ملیس توده ای، سازمان مسلح، مقاومت

مسلحانه و ملیت‌اند و غیره بحث می‌کنیم مطلقاً سر سوزنی به معنای جایگزینی آن با تشکل کارگری و هیچ تلاش و مبارزه سیاسی و اجتماعی دیگری نیست. این بحث آنهایی است که در پوشش کارگر پناهی کردند یا آنهایی که بطور کلی میدان واقعی سیاست و مبارزه را ترک کرده اند و بازنده دست جمهوری اسلامی اند، به این شکل نقش بی‌نقشی خود را توجیه می‌کنند. با این طرف‌ها عملاً کارگر و کمونیسم را از دست بردن به ابزارهای قدرت و کسب قدرت منع میکنند. اینها خیلی "دمکرات" و "خشونت‌گریز" هستند. اما کمونیستها و کارگران مبارز درست بر عکس این نظریات ضد کارگری و بورژوائی باید عمل کنند. اینها همواره چنین کرده اند و همیشه هم با این طرف‌های "تئوریک" تو خالی و ضد کارگری به بقای دولت و بورژواها در میدان عمل مبارزه سیاسی و طبقاتی خدمت کرده اند. بخشی از علل بقای تاکنونی چنین رژیم فاشیستی و اسلامی محصول این سیاست بازان "منزله طلب" در تحولات سیاسی ایران و در میدان نبرد واقعی برای سرنگونی این رژیم جانی میباشد.

همینجا لازم به تاکید است اعلام کنیم که ضمن تاکید بر ایجاد فوری نیروی مسلح و تاکید درست ما بر ضرورت سازماندهی چنین نیروئی، اما این به معنی اقدام فوری مسلحانه در فضای سیاسی کنونی علیه رژیم نیست! ما اکنون چنین تصمیمی نداریم که بلاواسطه وارد اقدام نظامی علیه رژیم شویم. هر گاه بنا به ضرورت مبارزه

طبقاتی و سیاسی به این نتیجه برسیم تصمیم و سیاست خود را به جامعه اعلام می‌کنیم. زنده باد سازمان مسلح توده ای و سوسیالیستی!

### قرار پیشنهادی در باره ضرورت محدودیت زمانی برای پستهای کلیدی تشکیلاتی

یک رکن مهم حزبیت سیاسی تعویض و جابجایی پستهای کلیدی از جمله پستهای دبیر کمیته مرکزی، رئیس دفتر سیاسی و امکان دادن آگاهانه به عروج نسل دیگری از کادرهای مجرب و کمونیست از جمله زنان و مردان جوان در حزب است.

از اینرو کنفرانس موسس حزب تصویب میکند که:

۱- حداکثر زمان ممکن برای پستهای کلیدی از جمله اولین پستهای رهبری حزب چهار سال (فاصله زمانی دو کنگره حزبی) خواهد بود.

۲- کلیه پستهای کلیدی و کمیته های حزبی باید معاون داشته باشد. پست معاونیت مناسبترین مکانیزم پرورش کادر برای جایگزینی در حزب است.

### قرار پیشنهادی در باره اهمیت جایگاه زنان و جوانان در حزب

ما می‌خواهیم به حضور زنان و جوانان در کل فعالیت های حزب اهمیت ویژه تری بدهیم، راه آموزش و ارتقا و تقبل مسئولیت سیاسی و حزبی در این حزب بدون هیچ موانعی باید برای این دو نسل هموار باشد. کلیه پستهای کلیدی و کمیته های حزبی باید دبیر و معاون داشته باشند، یکی از اعضای دوفره این پستها زن و یا جوان باید باشد، طبعاً به ظرفیت و آمادگی افراد هم باید توجه داشت، حزب از این دو نسل می‌خواهد گام

جدی در جهت تحقق این هدف مهم در حزب بردارند. همه زنان و جوانان را به صفوف حزب فرا میخوانیم!

### قرار پیشنهادی در باره برنامه و اساسنامه حزب

کنفرانس موسس حزب تصویب می‌کند که:

۱- مبنای اتحاد و سیاست و استراتژی سیاسی حزب بیانیه فراخوان مشترک و به ویژه اسناد و سیاستهای که در کنفرانس موسس حزب به تصویب میرسد خواهد بود.

۲- کنفرانس همزمان تا برگزاری کنگره اول حزب برنامه "یک دنیای بهتر" و اصول سازمانی" نوشته شده از طرف منصور حکمت را به عنوان برنامه و اساسنامه خود تأیید می‌کند.

۳- کنفرانس موسس حزب در عین حال رهبری منتخب خود را مامور میکند تا در اولین فرصت "کمسیون برنامه و اساسنامه" را تعیین کند. این کمسیون زیر نظارت رهبری حزب کلیه اقدامات لازم برای تهیه نسخه نهائی" برنامه و اساسنامه" حزب را تدارک می‌بیند. در کنگره اول حزب این اسناد در دستور کنگره حزب قرار میگیرد و همانجا به تصویب نهائی خواهد رسید.

### پیوستن ۸ رفیق دیگر به پروسه تشکیل حزب

چند هفته پیش از طریق نشریه و سایت "سوسیالیسم امروز" پیوستن ۲۳ انسان مبارز و سوسیالیست دیگر را به پروسه تشکیل حزب سیاسی جدید در ایران را به اطلاع عموم رساندیم.

مایه افتخار ما است که دوباره

پیوستن ۸ فعال سوسیالیست و آزادیخواه دیگر را به این تلاش انقلابی و ایجاد حزب سیاسی جدید اعلام کنیم. این رفقا عبارتند از: ۱- عبدالله محمدی ۲- محمد محمدی ۳- کمال محمودی ۴- کامران رسولی ۵- جعفر پورپرویزی ۶- آرام مرادی ۷- سونیا سالاری ۸- الهام اولیائی

به تک تک این مبارزین و انسانهای شریف خوش آمد گفته و خوشحال هستیم که چون تن واحد و برابر برای ایجاد یک حزب سوسیالیستی و انقلابی هم‌رزم و هم‌سنگر هم خواهیم بود.

همه مبارزین راه آزادی، برابری و سوسیالیسم و همه کسانی که خواهان سرنگونی کلیت رژیم جنایتکار اسلامی هستند به پیوستن به این تلاش و حزب انقلابی جدید فرا میخوانیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!

### هیئت هماهنگی کنفرانس موسس حزب جدید

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

24-7-2017



مبارزه علیه  
مواد مخدر  
جدا از

مبارزه علیه جمهوری  
اسلامی نیست!

طبق گفته های علی هاشمی رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر، جمهوری اسلامی با پخش و توزیع

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

مربوط به مواد مخدر زندانی هستند و حکم اعدام و زندانی طولانی مدت دارند و 15 درصد معتادان بهبود یافته بی سرپناه هستند و شبها را در خیابانها به روز می‌رسانند.

این نمایش‌های فرمایشی در شرایطی برگزار می‌شوند که شمار معتادین به مواد مخدر روبه افزایش است. چنین حرکت و طرحهایی جوابگوی معتادین نیستند. هیچ بودجه‌ای به اشتغال معتادین ترک شده اختصاص داده نمی‌شود، و بیشتر سرشبه‌ها و ساقیان مواد مخدر زیر پروربال فرماندهان سپاه پاسداران قرار دارند و لابراتوارهای تولید شیشه تولیدات خود را زیر نظر فرماندهان سپاه پاسداران انجام می‌دهند.

برگزاری این نمایشات ظاهری به قصد فریب افکار عمومی و لاپوشانی نقش سران سپاه و رژیم قاجاق و در ابتلای میلیونها نفر از جوانان مایوس از زندگی و آینده صورت می‌گیرد.

اعتیاد رابطه مستقیم و تنگاتنگی با فقر و بیکاری، تبعیض و نابرابری اجتماعی و همچنین در دسترس بودن مواد دارد. از آنجا که جمهوری اسلامی عامل تمام این مصیبت‌هاست، و سپاه پاسداران انحصار داد و ستد و سوادگیری مواد مخدر در ایران را در اختیار دارد و فرماندهان سوداگر این نهاد از تولید، قاجاق و توزیع مواد مخدر سودهای سرشاری به جیب می‌زنند، بنابراین عامل اصلی رشد و رواج اعتیاد و ابتلای جوانان به مواد مخدر در ایران هستند. به این اعتبار مبارزه علیه مواد مخدر و اشاعه آن در جامعه ایران جدا از مبارزه علیه جمهوری

پیش گرفتن سیاستهای اقتصادی سرمایه دارانه میلیونها جوان را به بیکاری و افسردگی کشاندن و بدین ترتیب راه را برای ابتلای میلیونی جوانان به این بلائی خانمانسوز باز کردند، می‌خواهند با این کارشان چه گلی بر سر این جامعه بزنند؟

حال که جامعه ایران با این درد بزرگ اجتماعی که یکی از پیامدهای اصلی این رژیم طی 40 سال حاکمیتش در ایران است، دست و پنجه نرم می‌کند و بار سنگین حل این معضل نیز بر دوششان است چگونه می‌توانند با چنین طرحهایی که مملو از ریاکاری و دروغ هستند، کنار بیایند؟

این هیاهوی تبلیغاتی در شرایطی برگزار می‌شود که امروز جمهوری اسلامی به عنوان عامل تبدیل اعتیاد به یکی از حادثترین آسیب‌های اجتماعی در میان مردم ایران و شناخته شده، و در گزارشات مستند و پژوهشی خبرنگاران مستقل، سپاه پاسداران متهم به قاجاق و ترانزیت مواد مخدر تولید شده در افغانستان به ترکیه و اروپا و مالک و موسس شمار زیادی از لابراتوارهای تولید شیشه و توزیع آن در میان جوانان ایرانی، به ویژه مناطق گردنشین ایران و حتی کشورهای منطقه از جمله کردستان عراق است.

جمهوری اسلامی در حالی دست به اجرای چنین نمایشهای فریبکارانه‌ای می‌زند که بنا به گفته خود مسئولان این رژیم، در هر سه ساعت 3 نفر و روزانه 8 جوان بر اثر اعتیاد به مواد مخدر جان خود را از دست می‌دهند، عامل 55 درصد طلاق‌ها در ایران اعتیاد و مواد مخدر است، بیش از 50 درصد زندانیان به علت مسائل

اسلامی همیشه و در هر موقعیت و زمانی در برخورد با پدیده مواد مخدر و استعمال آن در ایران، حتی با شعار ساختگی مبارزه با مواد مخدرش و همچنین قاجاق آن در سطح بین‌المللی همان رفتار فریبکارانه‌ای را دارد که تا به امروز داشته و از خود نشان داده است.

توجیه رژیم برای در دست گرفتن توزیع مواد مخدر در ابعاد گسترده به این اقدام این است که گویا از این طریق می‌خواهد پدیده خانمانسوز مواد مخدر را کاهش دهد و ثانیاً عدالت و انسان دوستی را به اجرا بگذارد که بدون شک هر دوی این توجیهات فریبکارانه و دروغ هستند.

در زمینه ریشه کن کردن معضلی چون مواد مخدر، اولاً این خود جمهوری اسلامی است که مردم ایران را به چنین بلایی گرفتار کرده است و آرامش را از زندگی مردم این کشور سلب کرده است زیرا ابعاد پخش مواد مخدر چه در جامعه و چه در زندان توسط خود رژیم اسلامی صورت گرفته است و می‌گیرد. ثانیاً تجربه نشان می‌دهد که کاهش دادن چنین مصیبتی با چنین راهکاری نه اینکه دردی را درمان نمی‌کند بلکه می‌تواند پیامد منفی و زیانباری را هم باخود به همراه داشته باشد و این پدیده را در سطح وسیعتری تقویت و گسترش دهد.

هدف اصلی چنین سیاست و نمایشات ریاکارانه‌ای از طرف جمهوری اسلامی دریافت کمکهای مالی بیشتر از نهادهای بین‌المللی مبارزه با مواد مخدر است، نه مبارزه با اعتیاد و کاهش آن در جامعه.

دولت و مقامات سپاه پاسداران که با قاجاق مواد مخدر و در

مستقیم مواد مخدر دولتی در میان معتادان به مواد مخدر در ایران، موافقت کرده است.

علی‌هاشمی گفته است که جمهوری اسلامی با اجرای این طرح قصد دارد که رأساً توزیع مواد مخدر را در دست بگیرد. این مهره رژیم جمهوری اسلامی از این طرح تحت عنوان "توزیع مواد مخدر دولتی در کشور" یاد کرده و افزوده است: هم اکنون بر اساس آمار حدود 60 درصد معتادان کشور از تریاک و مشتقات آن استفاده می‌کنند و به همین دلیل قرار است توزیع دولتی مواد مخدر در آغاز شامل تریاک شود.

طبق گفته‌های این شخص حنا هروئین را ولو از طریق تزریق نیز می‌توان در اختیار مصرف کننده گذاشت. او گفته است که با تصویب این طرح، توزیع مواد مخدر دولتی در مرحله نخست شامل تریاک یا مواد مخدر سنتی شده و ممکن است پس از آن و به اقتضای شرایط به سایر مواد مخدر نیز سرایت یابد.

وی مدعی شده است که با دولتی شدن توزیع مواد مخدر، مواد سالم و غیرآلوده و با قیمت ارزان در اختیار افراد قرار می‌گیرد و همین باعث کاهش مرگ و میر در میان معتادان می‌شود.

شکی در آن نیست که جمهوری اسلامی ایران و تمام ارگانیزم سرکوبگر آن چه در گذشته و چه در حال، با تصویب چنین حرکات و طرحهای احمقانه و ضد انسانی نتوانسته در اردوی انسان دوستی حرکت کنند و دردی را از بلائی خانمانسوزی چون مواد مخدر در جامعه ایران بکاهند. جمهوری



اسلامی نیست. جامعه سالم و به دور از مواد مخدر در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۲۰۱۷-۷-۲۵

## اعتصاب کارگران شهرداری منطقه 5 تهران!

روزشنبه سی و یکم تیر ماه 96 بیش از 150 نفر از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 5 غرب تهران در اعتراض به نپرداختن چهار ماه دستمزدهای معوق شده فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر از طریق شرکت انگل پیمانکاری دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. بیش از 100 نفر از کارگران اعتصابی در مقابل دفتر شرکت پیمانکار واقع در پارک الهام در غرب تهران دست به اعتراض و تجمع زدند. خواست کارگران پرداخت فوری دستمزدهای معوق شده چندین برابر زیر خط فقر است. در این روز شعبانی که یکی از عوامل شرکت پیمانکار است با دستپاچگی و هراس در برابر کارگران معترض حاضر شده و با توسل به تهدید و دروغ و عوامفریبی سعی در متفرق نمودن کارگران و شکستن اعتصاب داشت. شعبانی خطاب به کارگران معترض گفت: من 70 میلیون تومان برای پرداخت اللّحساب و مساعده شما کارگران اختصاص داده بودم که در همین یکی دو روز گذشته یکی از کارمندان شرکت این پول را به سرقت برده و فراری است، فعلا هم دستان خالیست و پولی برای پرداخت به شما کارگران در

بساط نیست و...! دروغ گویی و عوامفریبی شعبانی و همپا لگیهایش بخشی از سیاست همیشگی حکومت جهل و جنایت و فساد و تباهی حکومت اوباش اسلامی سرمایه داران بر علیه کارگران است. یکی از کارگران اعتصابی که در تجمع اعتراضی حضور داشت گفت: ما چه نیازی به مساعده و پرداخت اللّحساب داریم؟ مگر دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر ما چقدر است که آن را چهار ماه چهار ماه نپردازند و بعد بخواهند با پرداخت مساعده و اللّحساب و مزخرفاتی از این دست حل و فصل نمایند. ما کارگران و خانواده هایمان هم در ایران و هم در افغانستان هم اکنون برای نان شب، برای نیازهای ابتدایی و روزمره زندگی لنگ و معطل مانده ایم، واقعا لنگ و معطل هستیم و... آن وقت سران حکومت اسلامی و امثال همین قالیباف جنایتکار و آتمکش از دزدیهای میلیاردی یکدیگر می گویند و...

در شهرداری منطقه 5 غرب تهران بیش از 200 نفر از کارگرانی که عمدتاً از شهروندان افغانستانی و بخشی هم ایرانی هستند در امورات فضای سبز در پارکهای، جوانمردان، الهام و دیگر مناطق غرب تهران مشغول به کارند. کارگران ساعت کار معینی ندارند. معمولاً ساعت کاری از 4 صبح شروع و گاهی تا شب ادامه دارد. از قراردادهای کاری هم خبری نیست. تعدادی از این شهروندان افغانستانی که از جهنم جنگ و اسلام در افغانستان به ایران پناه آورده اند دارای اقامت دائم نبوده و به ناچار به کار سیاه و پنهانی مشغولند. اقامت غیرقانونی برای این کارگران مهاجر موجب شده تا هر از چند گاهی از جانب مزدوران و اوباش نیروی

انتظامی به بهانه اقامت غیر قانونی و دیپورت مورد بازداشت و ضرب و شتم و اخاذی واقع شوند. از طرف دیگر هم شهرداری و هم شرکتهای انگل پیمانکاری با سو استفاده از موقعیت متزلزل اقامت این کارگران مهاجر که به کار سیاه مشغولند از پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران طرفه رفته و به انحاء گوناگون حق و حقوق کارگران را بالا می کشند. با توجه به هزینه های بسیار بالای اجاره و تهیه مسکن در تهران اکثریت این دسته از کارگران زحمتکش درحالیکه از خانوادههایشان دور بوده در داخل پارکها در جوار دستشویی های آلوده در اتاقکهای متعفن و فاقد امکانات زندگی می کنند. این دسته از کارگران که تعداد آنها هم کم نیست نیروی کار ارزان و خاموشی هستند که در بازار کار سیاه سرمایه طعمه استثمار و دزدیهای حکومت اسلامی سرمایه داران هستند.

(کارگران پیشرو)

## گزارشی درباره وضعیت دردناک سوخت بران!

سوختبران همانند کولبران برای فرار از فقر و گرسنگی به انتقال سوختهای فسیلی به مرزهای مشترک سیستان و بلوچستان با پاکستان و افغانستان پناه می برند. کولبران با شلیک در سرما جان خود را از دست می دهند و سوختبران با شلیک میان آتش جان نیمه سوخته خود را به زمین می کوبند.

سوختبری با خودروهایی که برای حمل سوخت غیراستاندارد است به خودی خود خطرناک محسوب می شود. تصور کنید

در حال هدایت خودرویی هستید که پر از سوخت فسیلی (بنزین یا گازوئیل) است. پایت را بر پدال گاز بیشتر فشار می دهی تا دست خالی به خانه بازنگردی. اگر دستگیر نشوی یا به هر دلیل خودرو واژگون نشود و پیکر سوخته ات از لابه لای آتش بیرون کشیده نشود، ساعاتی بعد در ازای یک ماجراجویی مرگبار که از سر نیاز به آن تن داده ای، چند برگ آبی به دستات داده می شود تا مزد جان به در بردنت از یک سرنوشت مهیب باشد. این تصویر بیشتر شبه به بازی های کامپیوتری است اما مشابه آن هر روز در جنوب شرق کشورمان بارها و بارها تکرار می شود.

برای ارتباط گرفتن با سوختبران نیاز به تلاش زیادی نیست زیرا بسیاری از مردم در سیستان و بلوچستان از همین راه مخارج خانواده خود را تامین می کنند. با اولین تماس توانستیم شماره چند سوختبر را به دست بیاوریم و پای قصه های دردناکشان بنشینیم.

ترس از یتیم ماندن فرزندان  
مسیر زندگیم را تغییر داد

قادر ۳۵ ساله یکی از اهالی سیستان و بلوچستان است که بعد از سالها سوختبری اکنون به تعمیرات لوازم خانگی روی آورده. او در مورد تغییر مسیر زندگی اش می گوید: بعد از اینکه یکی از دوستانم در ماجرای قاچاق سوخت کشته شد؛ تصمیم گرفتم سوختکشی (سوختبری) را رها کنم. پس از مدتی کارگری به پیشنهاد یکی از دوستانم به سمت کارهای فنی رفتم و حالا به تعمیر لوازم خانگی در روستاهای اطراف مشغولم.

علیه بیکاری متشکل شویم!

قادر ادامه داد: هر روز با این احتمال از خانه خارج می‌شدم که شاید دیگر بازنگردم. من به همراه چهار فرزند و همسرم در خانه‌ای خشتی زندگی می‌کنیم. اگر به خانه باز نگردم خوب می‌دانم چه بر سر آنها می‌آید، آنها هم مانند بعضی از اهالی منطقه توان خرید حتی یک نان را ندارند.

این تعمیرکار لوازم خانگی گفت: در اینجا هیچ‌کس منبع درآمد مشخصی ندارد جز کارمندان. قبل از اینکه به سمت سوخت‌کشی بروم چند ماهی دنبال کار گشتم ولی نتوانستم جایی مشغول به کار شوم. به ناچار با ماشین یکی از افرادی که با یک گروه همکاری می‌کرد و برایشان سوخت‌کشی می‌کرد، مشغول به کار شدم. تازه ازدواج کرده بودم و باید پولی به خانه می‌آوردم.

نزدیک به چهار سال سوخت‌بری می‌کردم تا اینکه یک روز اتفاق ناگواری افتاد. به همراه یکی از دوستانم در دو خودروی جداگانه به سمت خریداران پاکستانی در حرکت بودیم. حسین پشت من می‌آمد و من از آینه او را می‌دیدم. در میانه‌ی راه متوجه شدیم ما را تعقیب می‌کند. سرعتمان را بیشتر کردیم تا شاید از تعقیبمان منصرف شوند. وضعیت را از آینه دنبال می‌کردم. در یک آن صدای تیراندازی را شنیدم و ناگهان شعله آتش همه‌ی آینه را پر کرد، مجبور بودم فرار کنم و آنجا نمانم.

خانواده حسین بعد از نزدیک به دو سال موفق شدند دیه‌ی او را دریافت کنند و حالا همسر او با برادر شوهرش ازدواج کرده. شب روز واقعه که به خانه آمدم خیلی استرس داشتم. وقتی چهره‌ی فرزندانم را

دیدم تصمیم گرفتم مسیر زندگی خانواده را تغییر دهم تا شاید در آینده خدا راهی برای ما باز کند. **با ایسانس برق؛ سوخت‌بری می‌کنم**

محب ۲۸ ساله فارغ‌التحصیل رشته برق از دانشگاه آزاد است. او در حال حاضر برای سوخت‌بری به صورت اقساط یک نیسان آبی صفر کیلوتر خرید کرده هر شش ماه باید ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بابت قسطاش پردازد. در مورد وضعیت زندگی خود می‌گوید: نه تنها من بلکه همه همسالانم در سیستان و بلوچستان سوخت‌بری می‌کنند، حداقل می‌توانم در مورد دوستان خودم این حرف را با اطمینان بزنم. زندگی در خانه خشتی که نزدیک به پنجاه سال قدمت دارد، شش فرزند که آینده مشخصی ندارند به همراه ماشینی که هر لحظه ممکن است زندگیم را به جهنم تبدیل کند، سه ضلع زندگی مرا تشکیل می‌دهند.

بعد از فارغ‌التحصیلی به دنبال کار بودم ولی مانند بسیاری از جوانان؛ شغلی مرتبط با رشته‌ی تحصیلی پیدا نکردم و هرچه خوانده بودم بی‌حاصل بود. راهی مقابل نبود، مجبور شدم که سوخت‌بری کنم، یک خودروی باری خریدم تا به منبع درآمد خانواده‌ام تبدیل شود. شاید برای شما قابل تصور نباشد که در یکسو خانواده‌ی هشت نفره حضور دارد و در سویی دیگر یک خودرو پر از سوخت که هر لحظه امکان دارد هم خودت و هم سرمایه زندگی‌ات را به نابودی بکشاند.

این مهندس برق در مورد این شغل گفت: سوخت‌ها را اکثراً از کامیون‌هایی که به منطقه استان ما می‌آیند خریداری می‌کنیم. آنها یا با خود سوخت می‌آورند یا سوخت داخل باک خود را به ما می‌فروشند.

گازوئیل را لیتری ۱۸۰ تومان می‌خریم و ۲۰۰ تا ۲۰۵ تومان به افغان‌ها می‌فروشیم. به صورت میانگین روزی بین هشتاد تا صد هزار تومان درآمد داریم. هیچ وقت نتوانسته‌ام پس‌اندازی داشته باشم چون هرچه درمی‌آورم باید خرج خانه کنم.

محب در پاسخ به این سوال که تا چه زمانی به سوخت‌بری ادامه خواهی داد، گفت: اگر کار دیگری سراغ دارید من همین الان ماشینم را می‌فروشم. حاضرم از صبح بیایم و مشغول شوم. مسیر زندگی ما همین است یا با شلیک گشتی‌ها کشته می‌شویم چو کارمان قاچاق و غیرقانونی‌ست یا راهی زندان می‌شویم یا ماشین به هر دلیل واژگون می‌شود و در آتش می‌سوزیم.

او چنین ادامه داد: سوخت‌کشی قاچاق محسوب می‌شود ولی راستش من از این سخن جا می‌خورم! آنها که ما را از این شغل نهی می‌کنند یا نمی‌دانند در اینجا بر مردم چه می‌گذرد یا خودشان هیچ تصویری از فقر ندارند. جوانان سیستان و بلوچستان تنها به این دلیل سوخت‌کشی می‌کنند که کار و منبع درآمد دیگری در استان وجود ندارد.

**اگر کارگر بودم قطع نخاع نمی‌شدم**

سلیمان یکی دیگر از جوانان سیستان و بلوچستان است که پیش از این به سوخت‌بری مشغول بود ولی حالا دیگر مواد سوختی جابه‌جا نمی‌کند. فرق سلیمان با قادر این است که او در حادثه‌ی واژگونی خودرویی که با آن سوخت‌بری می‌کرد، قطع نخاع شد و اکنون خانه‌نشین است. می‌گوید: نزدیک به سه سال است که خانه‌نشین شده‌ام. باید به پزشک مراجعه می‌کردم ولی پولی نداشتم. آنقدر در خانه نشستم و

بوی تعفن پاهایم فضای خانه را پر کرد که در نهایت پاهایم تبدیل به دو چوب خشک شدند.

او روزی که این اتفاق برایش افتاد را چنین تعریف می‌کند: در مسیر راه تعقیب می‌کردند. مجبور بودم سرعتم را بیشتر کنم. تا جایی که توپوتا قدرت داشت پام را روی پدال گاز فشار دادم. آنها هم پا به پای من می‌آمدند. می‌خواستم ماشین را نگه دارم ولی دیر شده بود. دقایقی گذشت... سر یکی از پیچ‌ها دیگر نتوانستم ماشین را کنترل کنم و همراه با مقدار زیادی گازوئیل، ماشینم چپ کرد. واقعا حادثه تلخ و دردناکی بود. اصلا دوست ندارم درباره‌اش حرف بزنم. حال کنج خانه بی‌کارم و همراه با دو فرزندم چشم به دست مردم دارم. هیچ منبع درآمدی نداریم، با پول یارانه، کمیته امداد و اسکناس‌هایی که همسایه‌ها و مردم روستا به ما می‌دهند امورات زندگی را می‌چرخانیم.

سلیمان آرزو دارد که به روستایش کارگاه و کارخانه برده شود. می‌گوید: اگر یک کارخانه در این اطراف تاسیس می‌شد تا جوانان در آن مشغول شوند حالا وضعیت ما خیلی متفاوت بود. اگر آب داشتیم کشاورزی می‌کردیم، اگر راه بود فرار می‌کردیم. من چاره‌ای جز سوخت‌کشی نداشتم.

**بخشی از یک گزارش اینلنا بتاريخ اول مرداد**



**کارگران به پروسه تشکیل حزب خودتان به پیوندید!**

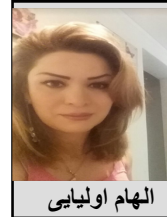
موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز: سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است! مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود. مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است. حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد. مقالات خود را به آدرس زیر بفرستید  
rahmatfatehi@yahoo.co.uk



برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com  
00447740076631  
0046762349683

هیئت تحریریه:  
رحمت فاتحی- رئوف افسایی- سلام زیجی- عزیز اجیکند - بابک باجلانی

نامه ای سرگشاده به سیدعلی خامنه ای الهام اولیایی

از حجم شرم آینه خورد می شود وقتی در آن می نگری اعضا رهبر! شیخانها عبایت مشکی است ریش ات بی رنگ دلت ذغالی دندانهایت زرد و دوما بر شانه هایت هی موجد هیبتت هیولایی ست زیر تاج عمامه ات آن جمجمه خالی نیست زیر تاج عمامه ات خمیر شلی است سفاقت نام و فضیه ات خوانند در باغ ات ، بی گیاه پرنده ها بی پروازند گام که بر میداری استخوان قناری ها زیر نعلین ات میشکنند اهل تقوایی از تار قدیمی ات صدای نوحه برمیخیزد می نمینوشی ساغر ت اما از خون سرشارست خودنویس تو قلب ها را سوراخ میکند تو خود بگو ولایت فقیه کشورم را چه ارمغان آوردی؟

زندانهایت گلوی آزادی فشرده میشود با دستانت ، آهنی اما یفین بدار آن گاه می رسد که میهن آوار شود بر سرت

چند کارتن خواب ؟ چند شمار افیونی؟ چند کودک بر چوبه ی دار؟ و زیر عبایت چند فرشته به روسپیان خیابانی بدل شدند؟ لبریز است

اخراج و بیکار سازی موقوف!